

لغات کلیدی و تکمیلی

درس دوم - پایه دوازدهم

“Key words”

(Lesson Two – Vision Three)

تهیه و گردآوری:

جمال احمدی

دبیر دبیرستانهای نمونه شهرستان بوکان / استان آذربایجان غربی

فایل صوتی و ویرایش:

وحید حشمتی

دبیر دبیرستانهای شهرستان آباءه / استان فارس

سایر جزوات و مطالب آموزشی در کانال تلگرامی:

@PracticalEnglishInKonkour

شهریور ۱۴۰۱

لغات کلیدی و تکمیلی "درس دوم - پایه دوازدهم"



	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
abbreviation	مخفف	basement	زیر زمین
absent	غائب	battle	نبرد، جدال جنگ،
access	دسترسی یافتن، اجازه ورود	BC	قبل از میلاد مسیح
accessible	قابل دسترس	behind	پشت، عقب
accessibility	دسترسی	beige	رنگ کرمی - بژ
accidentally	به طور تصادفی	beings	موجودات زنده
accurately	به درستی، به دقت، به طور صحیح	bilingual	دو زبانه
achieve	به دست آوردن	biography	زندگی نامه
achievement	دست آورد، موفقیت	biology	زیست شناسی
a couple of	یه چند تایی، تعداد کمی	body building	بدن سازی، پرورش اندام
admission	پذیرش - تصدیق، اجازه ورود	break	وقت استراحت، زنگ تفریح - شکستن
advance	پیشرفت، پیشرفت کردن	browse	جستجو کردن
advanced	پیشرفته	browser	جستجوگر
aid	کمک، کمک کردن - دستیار	come to no fruit	بی ثمر بودن، بی فایده بودن
allow	اجازه دادن	can afford	توانایی مالی داشتن
allowance	اجازه - پول تو جیبی	capability	توانایی، قدرت، قابلیت
although	اگرچه - هر چند - با اینکه	cause	علت، دلیل
ancient	باستان، باستانی، کهن، قدیمی	changeable	قابل تغییر، تغییر پذیر
Antarctica	قطب جنوب	circumstance	محیط، پیرامون - شرایط (در جمع)
anthill	تپه مورچه	claim	ادعا کردن، ادعا - مطالبه
antonym	متضاد	clue	سرنخ، اثر، نشان، راهنما
appear	ظاهر شدن - به نظر رسیدن	collocation	هم نشینی، هم آوایی - ترتیب
application	برنامه - کاربرد	colony	گروه، دسته - مستعمره
argue	جرو بحث کردن، استدلال کردن	combination	ترکیب
arm	بازو	combine	ترکیب کردن - متحد شدن
armed	مسلح، مجهز، آماده جنگ	commercial	تجاری - بازرگانی
arrange	تنظیم کردن - مرتب کردن - هماهنگ کردن	common	عادی - رایج
arrangement	ترتیب، نظم - آرایش - چینش	communicate	ارتباط برقرار کردن
astronaut	فضانورد	communicative	خوش برخورد، ارتباطی، اهل معاشرت
at least	حداقل	compare	مقایسه کردن
attack	حمله کردن، هجوم بردن	compete	رقابت کردن، مسابقه دادن
attractive	جذاب، دلربا	competition	رقابت، مسابقه
available	موجود - در دسترس	competitor	رقیب، حریف
average	میانگین - متوسط - معدل	compilation	جمع آوری، تألیف، گردآوری
avoid	اجتناب کردن، خودداری کردن	compile	گردآوری کردن
aware of	آگاه از، مطلع از	complete	تکمیل کردن - به انجام رساندن



لغات کلیدی و تکمیلی "درس دوم - پایه دوازدهم"

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
complex	پیچیده - مجتمع، مجموعه	entrance	ورود، اجازه ورود
complicated	پیچیده - سخت	entrant	وارد شونده، داوطلب
comprehensible	فهمیدنی - قابل فهم	entry	سر وازه - ورود
confuse	گیج کردن - دست پاچه کردن	escaped	فراری
confused	گیج - سراسیمه - مغشوش	essential	لازم- ضروری
confusing	گیج کننده	everywhere	همه جا
confusion	گیجی، دستپاچی، پریشانی	exact	دقیق
consider	در نظر گرفتن	examine	امتحان کردن، معاینه کردن
contain	دربر گرفتن- شامل شدن	exclamation mark	علامت تعجب
container	ظرف	exist	وجود داشتن، موجود بودن
continent	قاره	expand	گسترش دادن، توسعه دادن
convert	تبدیل کردن	expensive	گران قیمت
database	پایگاه داده	explain	توضیح دادن، شرح دادن
deal with	پرداختن به، مشغول بودن به	expression	عبارت، بیان - حالت چهره
decide	تصمیم گرفتن	facial muscles	ماهیچه های صورت
definition	تعریف، توضیح معنی یک کلمه، تعبیر	fact	حقیقت - نکته
design	طراحی کردن	factor	عامل - فاکتور
designer	طراح	fame	شهرت، آوازه
destroy	ویران کردن	familiar	آشنا
details	جزئیات	far away from	خیلی دور از
develop wings	بال در آوردن	fee	شهریه
device	وسیله	female	زنانه، مؤنث
dial	شماره گرفتن، تلفن زدن	figure out	فهمیدن - درک کردن
dictionary	فرهنگ لغت	find out	فهمیدن
directly	به طور مستقیم، مستقیماً	fix	تعمیر کردن
disappear	ناپدید شدن	floor	کف (اتاق) - طبقه (ساختمانی)
disconnect	قطع کردن، قطع شدن	forget	فراموش کردن
drought	خشکسالی	format	شکل - قالب
earn	به دست آوردن	free	مجانی- رایگان - بیکار، آزاد
ecology	بوم شناسی (علم زندگی موجودات)	fresh	تازه
effectively	به طور مؤثر	fried	سرخ کرده (سیب زمینی و...)
element	عنصر- عامل	generally	به طور کلی، در مجموع
elementary	سطح مقدماتی، ابتدایی	generate	تولید کردن، به وجود آوردن
enjoyment	لذت، خوشی	gentle	نجیب، با تربیت، مهربان
enter	وارد شدن، وارد کردن	goods	کالاها
entire	کل، تمام، همه	guide	راهنمایی، دفترچه راهنما - راهنمایی کردن



لغات کلیدی و تکمیلی "درس دوم - پایه دوازدهم"

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
habit	عادت	jump into	نادیده گرفتن به - پریدن - پریدن
habitat	محل سکونت، مسکن	keep in touch	در تماس بودن، ارتباط داشتن
handicraft	صنایع دستی	keep to oneself	در لاک خود بودن، ساکت بودن
hardware	سخت افزار	lobster	خرچنگ دریایی
harmful	مضر	lack	فقدان، کمبود - کمبود داشتن
healthful	مفید (برای سلامتی)	last	آخرین - گذشته - طول کشیدن
highlight	برجسته کردن	laugh at	خندیدن به
host	میزبان، مجری برنامه	lead to	منجر شدن به، منتهی شدن به
huge	عظیم، خیلی بزرگ	lecture	سخنرانی
ice cap	کوه یخی، قله یخی	level	سطح
ideal	ایده آل، رؤیایی، آرمانی، دلخواه	lie	دروغ گفتن، دروغ - دراز کشیدن - واقع شدن
identify	شناسایی کردن	look for	گشتن به دنبال، جستجو کردن برای
imagination	تصور - خیال	look after	مراقبت کردن از
imaginary	تخیلی - غیر واقعی	look sth up	جستجو کردن (معنی لغت در دیکشنری)
immediate	فوری	modernism	مدرن گرایی، نو گرایی
immediately	فوراً	magnet	آهن ربا
in advance	از پیش، از قبل، پیشاپیش	magnify	بزرگنمایی کردن - بزرگ کردن
include	شامل شدن - در بر گرفتن	male	مردانه، مذکر
incomprehensible	غیر قابل فهم	meaning	معنا - معنی
in contrast to	در مقایسه با	measure	اندازه گیری کردن
increasingly	به طور فزاینده	meet	برآورده کردن - ملاقات کردن
increase	افزایش دادن، افزایش یافتن	minor	جزئی - کم اهمیت
infection	عفونت، آلودگی (میکروبی)	monolingual	یک زبانه
information	اطلاعات	multiple	چندگانه، چندین - متعدد، گوناگون
inner	داخلی	nearly	تقریباً
in order to	به منظور، تا اینکه	neat	تمیز، مرتب
insect	حشره	need	نیاز داشتن، لازم داشتن، نیاز
insist on	پافشاری کردن بر روی، اصرار	offer	پیشنهاد کردن، ارائه دادن
instead	به جای، در عوض	once	یکبار، روزی، زمانی که، در گذشته
insulting	توهین آمیز	onion	پیاز
intermediate	سطح متوسط	opinion	نظر، عقیده
international	بین المللی	opposite	برعکس، متضاد
introduction	مقدمه، معرفی، پیش درآمد	order	نظم، ترتیب - سفارش دادن، دستور
invisible	نامرئی	organize	منظم کردن - سازماندهی کردن
Islamic	جمهوری اسلامی	origin	اصل - ریشه
issue	مسئله - موضوع	original	اصلی، اورجینال



لغات کلیدی و تکمیلی "درس دوم - پایه دوازدهم"

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
painful	دردناک	quite	کاملاً - نسبتاً
pay for	پرداخت کردن برای	race	مسابقه، نژاد
part	بخش، قسمت	recognize	تشخیص دادن - شناختن
parts of speech	نوع کلمه (اسم، صفت، قید و...)	recommend	توصیه کردن، سفارش کردن
pattern	الگو، نمونه	recommendation	توصیه، سفارش
PC	کامپیوتر شخصی	relate	مرتبط بودن، ربط داشتن، رابطه داشتن
period	نقطه - دوره (زمانی)	relationship	رابطه، ارتباط
permission	اجازه	relaxation	استراحت، آرامش، شل شدن عضلات
philosophy	فلسفه	rely on	متکی بودن به، وابسته بودن به
phonetic	علم آوا شناسی، آوایی	remember	به خاطر آوردن
pocket	جیب - جیبی	repair	تعمیر کردن
pocket	فرهنگ لغت جیبی	reproduce	تولید مثل کردن، تکثیر کردن
point	نکته - نقطه - امتیاز	resource	منبع
point of view	دیدگاه، نقطه نظر	resume	از سر گرفتن، ادامه یافتن
policy	سیاست، خط مشی، رویه	scale	مقیاس - اندازه - ترازو
pollution	آلودگی	salty	شور، پر نمک، نمکین
pollute	آلوده کردن	scavenger	لاشخور - زباله گرد
polluted	آلوده	salary	حقوق، دستمزد
preparation	آمادگی، آماده سازی، تهیه، تدارک	salmon	ماهی آزاد، قزل آلا
present (n, adj)	کادو، هدیه، حال - حاضر	scene	صحنه، منظره
present (v)	اهدا کردن، تقدیم کردن، ارائه دادن	section	بخش، قسمت
presentation	ارائه، نمایش	set off	عازم شدن، راهی شدن
previous	پیشین، سابق	several	چندین
price	قیمت، نرخ، بها	shape	شکل - قیافه
primarily	در اصل، اصولاً - عمدتاً	shrimp	میگو
probably	احتمالاً	single	تنها - مجرد، مفرد
problem	مسئله - مشکل، موضوع	singly	به تنهایی، انفرادی
pronounce	تلفظ کردن	situation	موقعیت، وضعیت، حالت
pronunciation	تلفظ	slave	برده، غلام، اسیر
provide	فراهم کردن - ارائه دادن	smart	باهوش، هوشمند
publish	چاپ کردن - منتشر کردن	smartphone	تلفن هوشمند
pulse	ضربان، تپش، نبض	snake	مار
pure	خالص، پاک	social issues	مسائل اجتماعی
purpose	هدف، مقصد، منظور	spacious	جا دار، وسیع
question mark	علامت سؤال	speech	کلام، سخن، سخنرانی، گفتار
quit	ترک کردن، رها کردن، کنار گذاشتن	speed	سرعت، با سرعت رفتن

لغات کلیدی و تکمیلی "درس دوم - پایه دوازدهم"



	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
stage	مرحله - صحنه نمایش	type	نوع، گونه - تایپ کرن
stand	دکه، کیوسک - ایستادن - تحمل کردن	understanding	درک - فهم
stand for	نماد چیزی بودن	unexpectedly	به طور غیر منتظره
station	ایستگاه	university	دانشگاه
stationary	ساکن، بی حرکت، بی تغییر	unknown	نا آشنا، غریبه
steak	باریکه گوشت کبابی، استیک	upcoming	پیش رو، آتی
stick to / in	به چیزی چسبیدن	unpredictable	غیر قابل پیش بینی
stick in mind	در ذهن فرو رفتن	unsuccessfully	با ناکامی
stick to one's word	روی حرف خود بودن	unsystematically	بدون قاعده، بطور غیر سیستماتیک
stress	تنش، فشار روانی- تأکید کردن بر	useable	قابل استفاده، قابل بهره وری
suffer	رنج کشیدن	usefulness	سودمندی، فایده
suggest	پیشنهاد دادن	user	کاربر- استفاده کننده، مصرف کننده
suitable	مناسب	valuable	ارزشمند، گران بها، با ارزش
superhuman	ابر انسان- فوق انسانی	veterinarian	دامپزشک
support	حمایت کردن	vibration	ارتعاش - لرزش
suppose	فرض کردن- گمان کردن	viewer	بیننده، تماشاچی
surround	احاطه کردن، محاصره کردن	violation	تخلف، تجاوز
surrounding	اطراف - محیط، پیرامون	volume	جلد - حجم - درجه صدا
sweet	شیرین، شیرینی	watcher	تماشاگر، بیننده
symbol	نماد، مظهر، نشان	waterway	آبراهه، راه آبی
take action	اقدام کردن	web browser	جستجوگر وب
take note of	توجه کردن به	whatever	هر آنچه که، هر چیزی که
take notes	یادداشت برداشتن	wheel	چرخ (موتور، دوچرخه و...)
technical	فنی، تخصصی	whenever	هر وقت که، هر زمانیکه
temporary	موقتی، زودگذر	whereas	در حالی که
tense	زمان فعل (در گرامر)	whole	تمام، کل، همه
term	واژه، اصطلاح - ترم تحصیلی	widely	به طور گسترده
throughout	سرتاسر	wing	بال
tip	نکته - انعام	wingless	بدون بال
have sth in common	چیزی را به صورت مشترک داشتن	wisely	به طور عاقلانه
top	بالا، قله - عالی، ممتاز	wish	آرزو، آرزو کردن
training	آموزش، تعلیم	wonder	با خود اندیشیدن - متعجب شدن - ندانستن
transmit	انتقال دادن	world war	جنگ جهانی
treasure	گنجینه، گنج	work out	فهمیدن، پی بردن - ورزش کردن
tsunami	سونامی	write down	نوشتن، یادداشت کردن